معرفی کتاب: تاریخ نهضتهای فکری ایرانیان

پارسا تویسرکانی

با چاپ و انتشار جلد دوم تاریخ نهضت‏های فکری ایرانیان‏"از ظهور رودکی تا شهادت‏ سهروردی‏"در دو بخش،یک اثر ارزنده و جاودانی و مغتنم،به گنجینهء ادب و تاریخ‏ ایران افزوده گشت و باید اذعان کرد که پیدایش چنین اثر برجسته و تالیف ارزشمند را در زمان حاضر که میتوان گفت خشکسال ادب و سرکوفتکی فرهنگ ملی ماست اتفاقی دانست و به مولف فاضل آن،تبریک گفت:در میان ملت‏ها و کشورهائی که تمدن ریشه‏دار و فرهنگ‏ اصیل در پهنهء گیتی دارند و از شمار انگشتان دست و پای یکتن تجاوز نمیکنند و ایران نیز یکی از آنها یا بقول برخی از مورخان در صف مقدم آنها قرار دارد بحث و انتقاد در چگونگی‏ پیدایش نهضت‏ها و راز پایداری آنها کاری بایسته و از اهم امور اجتماعی است و شناسائی‏ شخصیت‏های برجسته‏ای که علمدار جنبش‏ها و نگهبانان آداب و سنت‏های ملی بوده‏اند فریضه‏ هر فرد است و اکنون که بسیاری از آنها بواسطه پراکندگی یا سهل انگاری و عدم توجه وقایع‏ نگاران که با اختصار از آنها یاد کرده‏اند از نظر نسل حاضر بدور مانده و آفت غرب زدگی و یا غرب زدگی ما را از آنچه داشته‏ایم و از آنچه باید داشته باشیم باز زده است بطوریکه در باره بعض مسائل میتوان گفت که در آئینه جهان بر ما از هم ناشناس‏تر خود ماست.

کشور ایران سه چهار هزار سال تاریخ مدون و معادل‏ آن و شاید بیشتر تاریخ تدوین نشده و پراکنده دارد و پیداست که در درازنای چنین‏ مدتی طبعا بازد و خوردها و فراز و نشیب‏ها و جنگ و ستیزها روبرو بوده است و مانند بسیاری از ملل قدیمه که فعلا نامی از آنها میشنویم نیست و نابود نگردیده است و بقای آن‏ مرهون ظهور دلاوران و مدیون فداکاری شخصیت‏هائی چند بوده است که با حسن تشخیص‏ و جانبازی بدون بیم و هراس،بمبارزه برخاسته‏اند و نگذاشته‏اند ایران به قعر نابودی و نیستی سرنگون گردد و برای ما و آنهائیکه علاقه به بقای کشور و ملت ایران دارند وقوف به‏ سرگذشت و سرنوشت این برجستگان لازم و مانند ابری است که در بیابان بر تشنه‏ای ببارد:

تجربه‏های تلخ و شیرین که از آنها در صفحات تایخ ثبت شده،بشارت میدهند که‏ در آینده نیز تجلیات روحیه ایرانی ضامن بقا و سعادت و عظمت این مرز و بوم خواهد بود: مولف فاضل و حقیقت بین تاریخ نهضت‏های فکری ایرانیان در حالیکه با این تالیف،یک‏ حماسه ملی عرضه داشته و برجستگی‏ها و بلند منشی‏های نژاد ایرانی را خاطرنشان ساخته‏ است نباید عنوان حماسه روی آن گذاشت زیرا واقعیات را از زوایای تاریخ ایران و جهان استخراج و بمعرض دید همگان قرار داده است و تالیف شریف ایشان از اغراقاتی که معمولا در جنب حماسه‏ها دیده میشود بکلی برکنار است و هر جا سخنی گفته دلیل و سند آنرا همراه آورده است و از این جهت نیز جنبه تحقیقی ایشان یک برتری خاص دارد بعلاوه ضمن‏ شرح نهضت‏های فکری ایرانیان باسامی سران جنبش‏ها و پهلوانان مقاوم و دانشمندان بنام‏ بر میخوریم و با ظهور فرقه‏های گوناگون آشنا میشویم و اسامی کتاب‏ها و صاحبان تفاسیر و شاعران و خطیبانی را که درمی‏یابیم که برای هریک باید چندین کتاب را از نظر گذراند که‏ از این جهت هم میتوان این تالیف را یک مجموعه‏ای مفید که بمنزلهء یک دائره المعارف در شمار آورد.

تلاش سرسختانه‏ای که میهن دوستان برای اعاده استقلال ایران و برجای ماندن کشوری‏ که خود را متعلق بآن و آن کشور را از آن خود میدانستند در همه جای این کتاب بچشم‏ میخورد،چه آن پهلوانان و راد مردانی که با شمشیر قیام کردند و چه آن دانشمندانی که‏ با کلک و بیان در این راه قدم برداشتند و چه آن سیاست پیشه‏گانی که با عرضه داشتن‏ مسلکی تازه و دلفریب و با ایجاد اختلاف و خرده‏گیری برای برانداختن خلافت اموی و عباسی‏ و حتی خلافت فاطمیان مصر کمر بستند همه و همه سودای یک ایران متعلق بایرانی در سر داشتند و مقصد اصلی یکایک آنها این بوده است که از این بوم و بر چشم بد دور یا کور باد.

درست است که تاریخ اقوام و ملل تا شش،هفت قرن پیش محصور به تاریخ شاهان و دادوستد و زد و خورد آنان بوده و آنچه مطرح نبوده یا نخواسته‏اند بحساب آید تاریخ‏ ملت‏ها بوده است ولی مولف تاریخ نهضت‏های فکری ایرانیان انگیزه و مقصد اصلیش روشن‏ کردن فعالیت و حسن تشخیص تودهء ایرانی است و تقریبا حساب این دو را از یکدیگر جدا کرده است:

ما نمی‏توانیم مجاهدت و فعالیت این‏چنین کسانی که زیر خرقه تصوف و با گزافه‏گوئی‏ اعراب که خود را اشرف ناس و فرض میکردند،احتجاجات دانشمندان ایرانی و تشکیل سازمان‏ اخوان الصفا و پیدایش معتزله و نوشتن تفاسیر متعدد قران بفارسی و عربی و تمسک به عقاید فلسفی یونان و هند و رد خرده‏گیری‏ها نصاری و جهود و تطبیق احکام شرعی با ادله عقلی‏ بوسیله ایرانیان را از قیام ابو مسلم خراسانی و جنبش بابک خرم دین و افشین جدا بدانیم‏ یا توجه رویگران سیستانی را بآداب و رسوم ایرانی از رغبت شاه اسمعیل صفوی و جانشینان‏ ایراندوست ایشان را به تضعیف خلافت عثمانی که خود را سرور مسلمانان میدانستند یکی‏ ندانیم.

و آقای طوس بنظم شاهنامه پرداخت و بقول خودش عجم را بدین پارسی زنده کرد ولی میدانیم که پیش از فردوسی تودهء ایرانی مغلوب بجمع‏آوری داستان‏ها و حماسه‏های‏ ملی خود دست زده بود و مردم بخارا را بدان پیشکشی موافقت نامه گرفتند که نماز را بزبان‏ فارسی بخوانند و این خود نشان میدهد که مردم ایران تا چه حد بحفظ زبان و آداب ملی‏ خویش پای بند بودند.

در متعصب‏ترین دربارهای حنفی و مالکی مذهب،شاعران ایرانی مقدمه و تشبیت‏ قصائد خود را توصیف جشن نوروز و مهرگان و سده قرار میدادند و هر زمانی نویسنده‏ و گوینده‏ای فرصت مییافت دربارهء دادگری و سده قرار میدادند و هر زمانی نویسنده‏ اسلام داد سخن میداد که اگر فرضا اینها را بحساب نیاوریم یعنی آنچه ایرانیان بوجود آورده‏اند نادیده بگیریم انوری ماند و قلمدانش.